

سلسلہ مباحث اخلاق و عرفان (۱۵)

سفر بہ کعبہ جاناں

رضا

تقریرات

استاد علی اللہوردی بخانی

سرشناسه	: اللهوردیخانی، علی، ۱۳۰۱ -
عنوان و نام پدیدآور	: رضا/ تقریرات استاد علی اللهوردیخانی.
مشخصات نشر	: تهران: توسعه دانش، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۶۴ ص.
فروست	: سلسله مباحث اخلاق و عرفان. سفر به کعبه جانان؛ [ج. ۱۵].
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۳۴۵۰-۲-۱
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: آداب طریقت
موضوع	: Customs of the order*
موضوع	: اخلاق عرفانی
موضوع	: Mystical ethics*
موضوع	: عرفان
موضوع	: Mysticism
شناسه اسناد	: سلسله مباحث اخلاق و عرفان. سفر به کعبه جانان؛ [ج. ۱۵].
ده بندی بکره	: ۱۳۹۵ ج. ۱۵ س ۷۵ الف ۷/۳ BP۲۸۸
رده بندی دیسی	: ۲۹۷/۸۴
شماره ثبت اسناد ملی	: ۴۳۵۹۸۷۰



سفر به کعبه جانان

عنوان • سلسله مباحث اخلاق و عرفان
رضا

تالیف و تدوین • علی اللهوردیخانی

ناشر • توسعه دانش

نوبت چاپ • اول، ۱۳۹۵

چاپ • خانه چاپ پایدار

تیراژ • ۱۵۰۰ جلد

قیمت • ۳۰۰۰ تومان

نشانی: تهران، میدان انقلاب، خیابان انقلاب، ساختمان ۳۱۰، طبقه زیر همکف

تلفن: ۶۶۴۱۵۴۵۹-۶۰

سایت: www.elmo-danesh.ir

فهرست مطالب

۷	پیشگفتار
۹	مقدمه
۱۵	۱. رضا، ثمره محبت
۲۰	عمل به رضای محبوب
۲۶	رضا، راز دوستی
۳۵	شکر، نحلۃ رزق
۴۱	شکر، استخراج کنج های درونی
۴۸	انوار الهی در تشکر
۵۳	فهرست آیات
۵۷	فهرست احادیث
۵۹	گزیده منابع و مأخذ
۶۱	فهرست مجلّات سفر به کعبه جانان

پیشگفتار

کتاب حاضر بخشی از مجموعه تقریرات استاد فقید جناب علی الهوردیخانی در طی نیم قرن گذشته است که در جلسات تربیت و تدریس بیان فرموده‌اند.

این گفتار به این منند از حقایق عالیه دین مقدس اسلام، سالیان متمادی در دسرس عموم به دور بوده تا این که در سالهای اخیر توسط بنده ایشاد، تنظیم و به توفیق الهی برای استفاده شیفتگان مکتب اهل بیت عصمت و طهارت^(ع) به زیور طبع آراسته شده به امید آن که مقبول پیشگاه حق واقع گردد.

ضمن سپاس و قدردانی از زحمات طاهره فرسای معظمه، از این که در زمان حیاتشان اجازه تدوین و نظام این مجموعه را یافته‌ایم به درگاه الهی شکرگزاریم؛ و پیشاپیش از هرگونه سهو و خطای احتمالی به حکام یادداشت برداری یا تنظیم و بازنویسی مطالب، پوزش می‌طلبیم. امید است که خوانندگان محترم بالاخص صاحب‌نظران و اهل فضل با نظرات عالیه خود ما را در چاپ‌های بعدی این آثار یاری فرمایند.

مقدمه

سپاس خدایی را که به حکمت بالغه خود کتاب مقدس خود را فرو فرستاد و راهنمای گمشدگان وادی حیرت نمود. پرده مجاز از چهره اسرار برداشت و نعمت آزادی را بر احرار کرامت فرمود.

درود و تحیات بی شمار بر حضرات انبیاء و اوصیاء و اولیاء، بالاخص بر وجود مقدس حضرت خاتم الانبیاء محمد مصطفی (ص)، که جمیع انبیاء و اولیاء خازنان نبوت و ولایت وی اند.

الهی بی تویی عدم است، هر چه هست یا توسل یا تازم آن دیدار را که جز جمالش همه را واپس نهاده و وجود حق را به نظاره بنشیند و خویشتن خویش را در این نظاره دریابد.

مقصود از آفرینش، وجود انسان است و مقصود از انسان، معرفت به ذات و صفات حضرت خداوندی است و کمال این معرفت، جز از انسان راست نیاید. چه دل انسان آئینه جمال نمای الوهیت است و ظهور جملگی صفات جلال و جمال حق به واسطه این آئینه الهی است.

دروود بر خردپرورانی که آئینه‌سان پذیرای تجلیات عکس جمال جمیل حق شده و مهرآسا بر نفوس نیازمندان تابش می‌کند و هریک را به حسب استعداد خویش پرورش داده و از پرتگاه کژی و تباهی به شاهراه حقیقت می‌کشانند. حقیقت، هدف توجه هر سالک و آخرین نقطه مقصود اوست.

دروود بر آن قافله‌سالاران عالم بشریت که ذوق فطری انسان‌ها را با تدبیر و تفکر و تعقل و علم و حکمت به جنبش در می‌آورند، و بر نیروی علم و معرفت ایشان می‌افزایند تا از پرتگاه مادی فروزان هدایت که ارزانی داشته‌اند، استضاء نموده بر معانی باطنیه «وَدَاعِيَا إِلَى اللَّهِ بِأَذْنِهِ وَ سِرَاجاً مُنِيرًا» را دریابند.

آن دلدادگان جمال لم‌یزلی چنین‌اند که در وادی طلب می‌تازند و سر بر آستان ارادت می‌نهند و قوای جسمانی در بوتۀ ریاضت و مجاهدات می‌گدازند و سر بر زانوی مراقبه، چشم بر دریچه عنایت می‌گشایند، تا کدام وقت و ساعت پرتوی از جانان بتابد، که نابیدن همان و نقد هستی در باختن همان. چه کمال انقطاع از ماسویات و اتصال به حق و گسستن از غیر در اثر حصول صعقه جلالیه است «أَمَّا تَعَالَى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَ خَرَّ مُوسَى صَعِقًا». همه حضرات ازیاء و اوصیاء را صعقه جلالیه فراگرفته که در حقیقت، همان ابتلا و پردۀ گرفتاری‌ها، فشارها و سوز و گدازهاست.

عارف دلدادۀ جمال و کمال معشوق است و دلدادگی، همان مرتبۀ تسلیم در ارادۀ معشوق. عارف کسی است که با خدا راز می‌گوید، به جان و دل رضای او می‌جوید، دست از اغیار می‌شوید، گل وصال می‌بوید، در میدان عبودیت می‌پوید.

سالک عارف در اثر تقوای تام و مجاهدات و ریاضات شرعی، انشراح صدری به او دست داده و سینه‌اش محل اشراق نور توحید گشته است. او در پرتو حق می‌بیند که فاعلیت مطلقه دار وجود در انحصار ذات اقدس الهی است.

الهی کدام دل است که در آتش عشق تو نیست؟ کدام دیده که در انتظار دیدار تو نیست؟ کدام جان که در مخلب زبّت تو نیست؟ کدام سر که سرمست عشق تو نه؟

طوبی بر آن دلی که از شبهه و شک شسته، به مولی پیوسته و از کایات رسته. سالک طریق حق باید که به توفیق الهی دل را دریابد و به دل رسد. آن که دل را یافت، خدا را یافت، دل مظهر جلال جمال که باست.

حب و عشق به جمال و کمال علی‌الاطلاق فطری بوده و در نهاد هر کس به ودیعه نهاده شده است. در اثر اهتمام به مراقبه شدید، حب و عشق الهی در ضمیر سالک ظاهر گردد، لیکن علاقه به کثرت و مادیات، حجاب‌های عشق فطری شده و نمی‌گذارد این پرتو ازلی ظاهر گردد اما به واسطه مراقبه، کم‌کم حجاب‌ها ضعیف شده بالاخره از بین می‌روند، و حب و عشق فطری در ضمیر سالک، او را به سوی جمال و کمال مطلق رهبری می‌کند، به حدی که به جز خدا نبیند.

مایه این نور الهی در نهاد انسان به ودیعه گذاشته شده و فطرت او به سرچشمه خورشید لایزالی متصل است. اگر کسی خود را از تحت جاذبه نور کنار نکشد، نور الهی بر تمام سطوح وجود او می‌تابد. ما هستیم که این آب حیات بخش را به شوره‌زارهای تمایلات و خارستان‌های خودخواهی‌ها فرو می‌ریزیم، و گرنه پیمانه وجود ما هر آنی از فیض الهی

پرمی شود.

مشاهده انوار و تجلیات الهی برای هر کسی به نسبت تزکیه نفس و تخلیه وجود از رذایل و تخلیه آن با زیورهای الهی است. به طوری که سالک می تواند در اثر طی این مراحل خود را به مقامی برساند که نه تجلیات و انوار، که جمال و جلال الهی را بی پرده مشاهده نماید. اما انحرافات و معاصی سبب ازدیاد حجابات شده، به جایی می رسد که حتی ذره و اثری از انوار و تجلیات الهی را مشاهده نمی کند.

مبدأ همه کمالات، معرفت به حق و ترک هوی های نفسانی است. مبدأ تمام نقائص، خدانشناسی و ضعف ایمان و حب نفس است. این رو راه اصلاح همه مفسده ها، معرفت به حق و ترک شوائب نفسانی است.

صاحب دل کسی است که از آرایش جسمانیات مبری و از شوائب مادیات معری برده، در تهذیب نفس و تحصیل علم باطنی کوشد. چه، علمی که از باطن سرچشمه گیرد، قلب را خاشع نماید و زبان را راست گرداند و نطق و بیان را از هرگونه تلبیس و انحراف باز دارد.

اعطای علم به نسبت مراتب عشق است. علم باطنی که علم شریعت آموختنی است، علم حقیقت یافتنی است. علم شریعت به تلقین است، علم حقیقت به نور یقین است. حقیقت، آفتابی است که سالک به نور عزت از آفاق دل ببیند.

علمای ربانی تمام علوم حقه را در پرتو تصفیه باطن و تهذیب نفس دریافته و همه را در انوار وجه الهی ادغام نموده به کعبه جانان رسیده اند. الهی ما را در زمره عاشقانی قرار ده که از آب و گل، از جان و دل درگذشتند، از قید دنیا و عقبی

خویشتن را رهانیدند، خود را با توبه نصوح بیاراستند.
 شاهراه دین را بدایتی است و نهایتی. بدایت اهل
 شریعت راست، نهایت اهل حقیقت را. عمل اهل شریعت،
 خدمت است بر شریعت. اما صفت اهل حقیقت، علاوه بر آن،
 قربت است بر مشاهدت. قاعده اهل شریعت را به سهولت
 نهادند. خدا به آنها رخصت‌ها داد که آنها مستضعفین‌اند، بار
 سنگین را از دوش آنها برداشت، زیرا که طاقت کشیدن چنان
 باری ندارند. اما روش اهل حقیقت را بر صعوبت نهاد «جاهدوا
 فی الله و بنوا».

درود حق‌نثار آن جوانمردانی که اعلام اسلامند، امان
 جهانند، بر سر دای شریعت داعیانند، بر لب چشمه حقیقت
 ساقیانند.

درود بی‌حد و - صریح حب خدا (ص)، مهتر عالم، سید
 مکرّم که خداوند متعال فرمود: «لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ لَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَ أَيْدِيهِمْ وَلَا يُحِيطُ بِشَيْءٍ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ»
 ما را یافت «إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ».